

آیت‌الله حسینی خراسانی در مراسم بزرگداشت آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی رحمه‌الله تبیین کرد

از کرسی پربار تدریس در حوزه تا همراهی با انقلاب اسلامی و دفاع از ولایت فقیه

حضرت آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی دام‌ظله، فقیهی برجسته و استادی نامدار در حوزه علمیه قم، عمر پربرکت خویش را در راه فقه و فقاهت، تربیت شاگردان و ترویج معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام سپری کرد. ایشان که از مکتب علمی مشهد و نجف بهره برده بود، با شیوه‌ای نوآورانه و برگزاری درس‌هایی پربار، مجتهدان و فقیهان برجسته‌ای پرورش داد. این عالم ربانی در دیانت، تقوا و رفتار با شاگردان الگویی ماندگار بود و در کنار جایگاه علمی خود، با مواضعی روشن و صریح، همواره از انقلاب اسلامی و ولایت فقیه حمایت کرد.

بزرگداشت مقام فقه و فقاهت

آیت‌الله سیداحمد حسینی خراسانی در مراسم هفتمین روز ارتحال آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی قدس‌سره که در جوار مضجع منور حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام، از سوی تولیت و حرم شریف، جامعه محترم مدرسین، شورای عالی و مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، دبیرخانه خبرگان رهبری و دیگر نهادهای حوزوی، برگزار گردیده بود، اظهار کرد: این مجلس مبارک که در جوار مضجع نورانی حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام، با حضور علما، اساتید، مردم مؤمن و انقلابی و زائران حرم برگزار شده، هدف آن بزرگداشت مقام فقه و فقاهت، تکریم علم و مرجعیت و قدردانی از مجاهدت‌های علمی، فقهی، تربیتی، اخلاقی و اجتماعی حضرت آیت‌الله وحید خراسانی، فقیه و استاد بزرگ حوزه است. این آیین، افزون بر پاسداشت جایگاه عالمان، تعظیم فقه و فقها و وسیله‌ای برای تقرب به خداوند و تکریم پیامبران الهی، پیامبر خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله و خاندان پاک ایشان، به‌ویژه امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب و فرزندان طاهرش علیهم‌السلام، به‌شمار می‌آید. جناب علامه حلی اعلی‌الله مقامه‌الشریف که به‌تعبیر برخی از بزرگان، از استادان ما در ابواب فقه و فقها شناخته می‌شود، پدر فقه و فقاهت است، در وصیتی که در پایان کتاب شریف «قواعد الاحکام» – که پس از «شرایع» محقق حلی، از متقن‌ترین و محکم‌ترین متون فقهی شیعه شمرده می‌شود– خطاب به فرزند فاضل و محققش که او نیز خود از فقهای نامی شیعه محسوب می‌شود، می‌فرماید: «علیک بتعظیم الفقهاء وتکریم العلماء؛ فإنه کما قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: العلماء ورثة‌الانبیاء وکما قال امیرالمؤمنین علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام: إن الفقهاء ورثة الانبیاء.»

این مجلس بزرگی که نهادهای حوزوی، یعنی حوزه علمیه همواره پرسلاله، سرفراز، پیشگام و خدمتگزار اسلام و جامعه اسلامی، در قم برگزار کرده‌اند، چنان‌که در پیام‌های تسلیت بزرگان – همچون رهبر معزز و مکرم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دامت شوکته و نیز پیام‌های تسلیت مراجع بزرگوار شیعه دامت برکاتهم و استادان و فاضلان حوزه حفظه‌الله تعالی – تصریح شده است، مقام علمی، جایگاه فقهی و مکانت مرجعیت ایشان، قولی است که جملگی بر آنند: او در روزگار ما در حوزه علمیه قم، استاذالاساتذه است.

مقام علمی و روش تدریس استاد

او که خود پرورش‌یافته مکتب استوانه‌های فقهی، اجتهادی و اصولی معرفتی حوزه علمی کهن و عریق مشهد مقدس و حوزه باعظمت و پرشکوه علمی نجف بوده است، در حوزه علمیه قم، مجتهدان، فقیهان، مدرسان و استادان برجسته‌ای تربیت کرد. او روش علمی و شیوه و منهج فقهی–اجتهادی خاصی داشت.

از شهریور سال ۱۳۶۴ که از مشهد مقدس به قم شرفیاب شدم و محضر این استاد بزرگوار را به‌لطف الهی درک کردم – چه در آن دوره که در مسجد سلماسی درس و بحث ایشان برپا بود و چه در آن دوره که تا پایان امر مبارکشان در مسجد اعظم قم درس و بحث را برگزار کردند، انتقال درس از مسجد سلماسی به مسجد اعظم نیز در پی بمباران‌های قم توسط رژیم بعث عفلقی و کافر عراق به‌سرکردگی آن عنصر کثیف، صدام متجاوز، صورت گرفت– آنچه یافتم، مخصوصاً در حوزه پرجمعیت، پرنشاط و گرم اصول ایشان، این بود که بحث‌ها بر مدار آرای به‌اصطلاح «پنج تن» یعنی آراء و اندیشه‌های عمیق، دقیق و ابداعی ابتکاری شیخ اعظم انصاری، محقق خراسانی، علامه میرزای نائینی، آقاضیاء عراقی و محقق بزرگ شیخ محمدحسین اصفهانی رضوان‌الله‌علیهم می‌چرخید و گاهی نیز بحث‌های دیگران، همچون حضرت آیت‌الله‌العظمی آقای خویی را مطرح می‌کردند، نقل می‌کردند، بررسی می‌کردند، در مواردی رد می‌کردند و در مواردی می‌پذیرفتند؛ حوزه درسی پرنشاط، جدید و شاگردپرور بود.



شهادت بر مقام علمی و تربیتی استاد

او افزون بر این درس پرشوری که داشت، بنده به‌عنوان کسی که از همان شهریور ۶۴ تا تقریباً اوایل آغاز آن بیماری آزاردهنده و عام، یعنی بلوای کرونا، محضر مبارکشان مشرف می‌شدم و بعد هم به‌مناسبت‌هایی به زیارتشان می‌رفتم، آن‌چنان یافتم که در این مجلس، شهادت و گواهی می‌دهم: استاد بزرگ ما، آیت‌الله وحید خراسانی رحمه‌الله، فقط در کرسی تدریس فقه و اصول آموزش نمی‌داد؛ او از جهت عملی نیز برخوردار از سیر و سلوک با شاگردان بود.

فارغ از هرگونه اغراق و مبالغه، چنان‌که یافتم، شهادت می‌دهم که او برای طلبه‌ها همچون پدری مهربان و دلسوز بود. نمونه‌های فراوانی دارم که شایسته است به‌عنوان خاطرات نوشته و بازگو شود تا برای دیگران به‌عنوان سرمشق و الگو تلقی و شمرده شود. او در دیانتش، در تقوایش، در تعهدش، در خداباوریش و در ترس از قبر و قیامتش، عالمی ربانی و برجسته بود.

مواضع روشن استاد نسبت به انقلاب و نظام

ابعاد شخصیتی این مجتهد بزرگ و این استاد نامی حوزه علمیه در روزگار ما، مختلف است. من چون فرصتم رو به اتمام است، به بُعدی از ابعاد وجودی او اشاره می‌کنم که شاید برای همه مانند بعد علمی، فقهی، اجتهادی، اصولی، اخلاقی و دیانتی‌اش روشن نباشد و آن، مواضع روشن و شفاف این استاد عزیز نسبت به انقلاب، نظام جمهوری اسلامی، رهبر کبیر انقلاب و رهبر شهید عزیز نظام اسلامی رضوان‌الله‌علیهما است، فقط اشاره می‌کنم؛ ولی به‌حق جای شرح و بسط و تفصیل دارد؛ شاید بعضی از سر بی‌اطلاعی و بعضی از جهات دیگر، این موضع، این موقف، این رویکرد و این نگاه آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی رضی‌الله‌عنه را به‌درستی در جریان نباشند.

خطابه‌های استاد در نهضت و دفاع از امام

او قبل از انقلاب، به‌عنوان خطیبی توانا و نامی در دنیای شیعه، همزمان با آغاز نهضت پانزده خرداد امام رضی‌الله‌عنه، در خرداد ۱۳۴۲ در تهران، یکی از منبری‌های بزرگ، معروف و مورد علاقه بود. در منبرهایش، مطابق آن شرایط و به‌اقتضای درایت و فراستی که داشت، مسائلی را در قدح و طعن، به‌عنوان تعریض به رژیم منحوس پهلوی مطرح می‌کرد؛ یکی از منبرهای بلندآوازه این استاد عزیز بعدها به‌عنوان «منبر زنبوریه» شهرت پیدا کرد.

در آستانه اوج‌گیری انقلاب، وقتی آن قلم بی‌ذوق، آن مقاله متکبرانه و خالی از ادب، با عباراتی مشمئزکننده، جایگاه روحانیت، حوزه و مرجعیت و مخصوصاً شخص امام، رهبر نهضت را مورد هتک قرار داد و حوزه بپا خاست، روحانیون، علما و طلبه‌های جوان به بیوت مراجع و استادان نامی آن روزگار پناه بردند تا تسلیت بگویند، از جمله وقتی به بیت شیخنا‌الاستاذ آیت‌الله‌العظمی وحید خراسانی اعلی‌الله مقامه‌الشریف مراجعه کردند، ایشان به هدف همراهی، هم‌سویی، همدردی و هم‌صدایی با آن طلبه‌های انقلابی جوان و حوزه علمیه، مطلبی فرمود که این‌ها با این تلاش‌های مذبوحانه بر بی‌اعتباری و فضاحت خودشان افزوده‌اند؛ و شعری خواند که چهره تابناک امام را به ماهی تشبیه کرد که در جامعه نورافشانی و روشنگری می‌کند.

استاد در دفاع مقدس و تکریم مجاهدان

بعد که انقلاب پیروز شد، مسئله پیش‌نویس و تدوین قانون اساسی مطرح شد. علی‌رغم اینکه عده‌ای اطلاع نداشتند، در یک نامه و بیانیه‌ای، با توجه به آن فضای سیاسی و فرهنگی روز جامعه ایران، فرمود: این نکته را توجه داشته باشید که علت محدثه انقلاب، ولایت فقیه است و علت مبقیه انقلاب نیز باید ولایت فقیه باشد.

وقتی انقلاب و نظام به‌عنوان یک نظام سیاسی با قانون اساسی متقن و محکم به رسمیت شناخته شد، جنگ تحمیلی علیه این کشور و نظام و ملت مظلوم، توسط قدرت‌های جهانی بدخواه اسلام راه انداخته شد. در سفری که ظاهراً سال ۱۳۶۴ ایشان به جبهه‌های جنگ برای دیدار با رزمندگان عزیمت کرد و در آنجا خطبه‌ای خواند، از این آیه استفاده کرد: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ و فرمود: من اینجا برای تجارت آمده‌ام، با ادبیات خاص خودشان؛ من اینجا برای کسب آمده‌ام؛ من اینجا مفت نیامده‌ام؛ من هم مثل شما به فرمان بزرگ‌مردی که او رئیس روحانیت شیعه است، اینجا آمده‌ام که از شما چهره‌های نورانی که برای حفظ اسلام، صیانت از دین و صیانت از قرآن، مقابل بدخواهان و متجاوزان به جبهه آمده‌اید، به محضر شما برسم و از شما کسب نور و فیض و معنویت کنم. این مواضع ایشان هم نسبت به امام، هم نسبت به دفاع و مبارزه در راه اسلام و هم به‌عنوان تکریم مقام مجاهدان فی سبیل‌الله بود.